روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۱۳ خرداد ۱۳۹۸ • ۲۸ رمضان ۱۴۴۰ • ۳ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۴۳ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۷ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۵ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

از ضرغامی و رحیم‌پورازغدی و... حلالیت می‌خواهم!

پوریا عالمی

• محسن هاشمی در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ماجرای قتل همسر دوم نجفی، شهردار اسبق تهران گفت: این موضوع مردانه است؛ وقتی جمع خبرنگاران مردانه شد، پاسخ‌گوی شما هستم. می‌بینی سوفیا؟ شماره‌تلفن عزت‌الله ضرغامی، رحیم‌پورازغدی، عباسی، میرسلیم، صفارهرندی، رامین، مسعود ده‌نمکی، الله‌کرم، یامین‌پور و باقی دانشمندان معاصر را داری؟ من می‌خواهم زنگ بزنم به تک‌تکشان و حلالیت بطلبم، چون من تا الان فکر می‌کردم نگاه زنانه - مردانه مختص این برادران است، اما الان که محسن هاشمی حرف زد، دیدم اگر او هم شهردار شده بود، الان شهر را جای طرح زوج و فرد تبدیل به طرح نر و ماده می‌کرد تا زن و مرد با هم از خانه بیرون نیایند. از طرفی مترو و اتوبوس ما که الان تنها مترو و اتوبوس کل جهان است که سروتهش یکی نیست و این‌طرفش مردانه و آن‌طرفش زنانه است، حتما کلا نر و ماده می‌شد و خلاص. واقعا می‌بینی سوفیا؟ تـه ذهن همه ما مردان یک گشت ارشاد ایستاده که به پوشش دیگری گیر می‌دهد و یک رئیس صداوسیما نشسته که قیچی سانسور دستش است.

راستش سوفیا... آه...

تو زنی و باید بدانی اینجا خاورمیانه است.

عاشق دل‌سوخته تو؛ میدون دوم

نکته

میزان فطریه و زکات مشخص شد

• **ایسنا:** فطریه عبارت است از سه کیلو طعام غالب هر مسلمان، اعم از جو، گندم و برنج و اقلامی که به‌عنوان طعام محسوب می‌شوند. مبلغ زکات فطریه و کفاره برای سال ۱۳۹۸

۱ - حداقل فطریه برای هر نفر ۸۰۰۰ تومان

۲ - کفاره یک روز قضای روزه عذر دو هزار و ۵۰۰ تومان

۳ - کفاره یک روز قضای روزه عمد (اطعام ۶۰ فقیر) ۱۵۰ هزار تومان

کارتون خواب

آرستیدز هرناندز

اتفاق

مرتضی کلانتریان، مترجمِ مطرح و حقوق‌دان درگذشت

دیدار به قیامت[1]

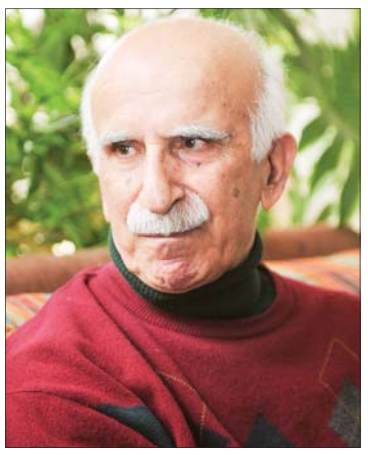

شیما بهره‌مند: مرتضی کلانتریان، حقوق‌دان و مترجم صاحب‌سبک، دیروز یکشنبه در ۸۷سالگی از دنیا رفت. کلانتریان دانش‌آموخته حقوق بود و بعد از آنکه در پاریس دکترای حقوق گرفت، به ایران بازگشت و از سالِ ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۲ قریب به بیست سال قاضیِ دادگستری بود، او در تنها مصاحبه خود[2] گفت: «از وقتی شروع به ترجمه کردم تا همین امروز در انتخاب کتاب‌ها چند پارامتر برایم مهم بوده و هست. انسانی‌بودن و برای انسان ارزش‌قائل‌بودن، دو تا از مهم‌ترین این پارامترهاست. من سال‌ها قاضی دادگستری بودم و هیچ‌وقت اگر متهمی وارد اتاقم می‌شد، نمی‌توانستم با او مثل یک انسان رفتار نکنم». مرتضی کلانتریان به‌گواهِ رفقا و همراهانش در این سالیان، قاضیِ عادل و باانصاف بود و همچنین مترجمی دقیق، مردی آرام و افتاده و متواضع. در سال‌های پنجاه ترجمه‌هایی از او در انتشارات آگاه منتشر شد، سال‌هایی که کلانتریان هم‌زمان قاضی بود. آن سال‌ها کلانتریان در شهرستان زندگی می‌کرد و حوادثِ ۲۸ مرداد را از سر گذرانده بود و به‌گفته خودش تماس زیادی با مردم نداشت و فقط کتاب می‌خواند و بیشتر هم کتاب‌هایی به زبان انگلیسی. او مدتی پس از بازنشستگی به کار وکالت پرداخت، اما وکالت را ادامه نداد و به ترجمه پرداخت. مرتضی کلانتریان مترجمی خلاق بود با انتخاب‌هایی نابهنگام و بِجا که کاری با ادبیات باب روز نداشت. از میانِ نویسندگانی که او از هرکدام تنها یک کتاب را انتخاب و ترجمه کرد، بیش از همه هاینریش بل با «سیمای زنی در میان جمع» برای مخاطب ایرانی آشناست. پی‌یر ژان‌رمی، ایتالو اسوو، کلود تیلیه و موریل باربری از نویسندگانی هستند که بار نخست کلانتریان آثاری از آنان ترجمه کرد و به ادبیات ما چیزی افزود که مطابق تلقی جاافتاده از ادبیات سیاسی هم نبود. ازاین‌رو اهمیتِ مرتضی کلانتریان در مقامِ «مترجم» جدا از تسلطش بر چند زبان و دقت و زبان و نثری درخور، در انتخاب‌هایش بود که فراتر از منطق بازار و بر مبنای ضرورتی سیاسی و اجتماعی بود، او در اواخر دهه پنجاه زمانی که هنوز «رمان نو» در ایران سر زبان‌ها نیفتاده بود، «مرگ کثیفِ» پی‌یر ژان‌رمی را ترجمه کرد که با تلقیِ سیاسی رایج متفاوت بود و به‌گفته خودش وجه سیاسی رمان او را به ترجمه آن ترغیب کرده بود نه جنبه تکنیکی‌اش. کلانتریان می‌گفت آنچه او را به ترجمه سوق داد، تنهایی بود و اهل‌معاشرت‌نبودن. او شیفته خواندن بود و در انزوا با مهری سرشار به مردم و خانواده‌اش می‌زیست، در محافلِ ادبی و فرهنگی حضور نمی‌یافت و عکسی از او در دست نبود. زمستانِ ۱۳۹۰ به‌لطفِ حسین حسین‌خانی، مدیر نشر آگاه، به دیدار کلانتریان رفتیم تا به‌پاسِ شش دهه کار و ترجمه بدون هیاهو با او مصاحبه‌ای انجام دهیم و کارنامه کاری او را در پرونده‌ای در سالنامه «شرق» بررسی کنیم. او از هرگونه روی‌صحنه‌آمدن و مرئی‌شدن ابا داشت، شوق ما را که دید و بحث که درباره آثاری که ترجمه کرده بود گُل انداخت، به‌گرمی از خاطرات و آنچه بر او رفته بود، سخن گفت و سرانجام مصاحبه انجام شد؛ اما گفت عکسی از او نگیریم که گرفتیم و با محبتِ همسرش به چاپ آن رضایت داد. در تمام مصاحبه از مردم می‌گفت و از عدالت و تبعیضی که در طولِ عمر پُرثمرش او را رنجانده بود. از کتاب‌هایی که در انتظار چاپ مانده بودند و از مجموعه‌آثارِ دیدرو که معتقد بود تنها فیلسوفی است که آثار فلسفی در معنای متعارفش ندارد و تمام مطالبش را در حین داستان می‌گوید، یعنی در نوشته‌های دیدرو یک سطر هم نیست که یک مطلب فلسفی و انسانی در آن نباشد. مجموعه‌نوشته‌های دیدرو روی میز کارش بود، ترجمه‌اش تمام شده بود و بارها و بارها ادیت شده بود اما از زمستانِ سال ۱۳۹۰ تا امروز همچنان بلاتکلیف مانده و خبری از انتشارش نیست. از مهم‌ترین ترجمه‌های کلانتریان در حوزه ادبیات می‌توان به «نقطه ضعف»، «دایی من بنژامن»، «منم فرانکو»، «سیمای زنی در میان جمع»، «مرگ کثیف» و «وجدان زنو» اشاره کرد که ویراستِ تازه رمان اخیر به‌تازگی در نشر «بان» بازنشر شده بود، «افسانه پدران ما» و «دیدار به قیامت» نیز از آخرین ترجمه‌های او هستند. کلانتریان همچنین ترجمه‌های مهمی در حوزه حقوق و سیاست دارد که ازجمله آنها «سیری در حقوق بین‌الملل» و «بشریت‌ها و حاکمیت» مونیک شمیلیه ژانرو، «قرارداد اجتماعی» ژان‌ژاک روسو، «بررسی یک پرونده قتل» میشل فوکو، «فضیلت‌های بزرگ» آندره کنت- اسپونویل، «رؤیا و تاریخ» کلود ژولین، «ادبیات و حقوق» و «اندیشه‌های حقوقی» فیلیپ مالوری هستند. «نقش زور در روابط بین‌الملل» و «حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد» اثرِ آنتونیو کاسسه حقوق‌دان مطرح ایتالیایی نیز از دیگر ترجمه‌های مهم کلانتریان است که آشنایی با کاسسه در ترجمه آنها بی‌تأثیر نبوده و این آشنایی مربوط به زمانی است که کلانتریان در لاهه مشغول به کار بوده است.

مرتضی کلانتریان با این کارنامه پُربار، در صبح روز ۱۲ خرداد جهان زندگان را ترک کرد. به‌گفته خانواده او، کلانتریان در چند ماهِ گذشته به‌دلیل مشکلات خون‌ریزی چشم به‌سختی می‌توانست بخواند و پشت میز بنشیند. ضعف، کهولت و عدم تعادل از دلایلی است که برای مرگِ او اعلام کرده‌اند. تاریخ مراسمِ وداع با این مترجم و حقوق‌دان، در روزهای آتی اعلام خواهد شد.

۱. برگرفته از عنوانِ رمان «دیدار به قیامت» اثر پی‌یر لومتر، ترجمه مرتضی کلانتریان

۲. گفت‌وگو با مرتضی کلانتریان، «مترجمی در سایه»، سالنامه روزنامه «شرق»، اسفند ۱۳۹۰

تجربه دیگران

سرمایه‌داری پیشرو و مرگ نئولیبرالیسم

جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد، استاد دانشگاه کلمبیا و رئیس اقتصاددان مؤسسه روزولت، در یادداشتی با عنوان «پس از نئولیبرالیسم» به این موضوع پرداخته که رویکرد۴۰ سال گذشته ایالات متحده و سایر اقتصادهای پیشرفته در دنبال‌کردن یک برنامه بازار آزاد با مالیات پایین، حذف مقررات محدودکننده و کاهش برنامه‌های تأمین اجتماعی، قطعا تغییر خواهد کرد و باید دید بعد از آن چه اتفاقی می‌افتد. بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم.

کدام سیستم اقتصادی بیش از همه رفاه برای بشر به ارمغان می‌آورد؟ این پرسش تعیین‌کننده دوران کنونی است؛ زیرا پس از ۴۰ سال سیطره نئولیبرالیسم بر ایالات متحده و سایر اقتصادهای پیشرفته، می‌دانیم این تفکر کارایی ندارد.

آزمایش نئولیبرالی -مالیات کمتر برای ثروتمندان، مقررات‌زدایی از بازار کار و تولید، مالی‌گرایی و جهانی‌شدن- با شکستی عظیم همراه بود. رشد به پایین‌تر از ربع قرن پس از جنگ جهانی دوم رسیده و بیشتر آن بین بالاترین سطوح درآمد تقسیم شده است. نئولیبرالیسم را پس از دهه‌ها رکود یا حتی کاهش درآمد برای پایین‌ترین سطوح، باید مرده پنداشت و دفن کرد. حداقل سه آلترناتیو مهم سیاسی برای این تفکر وجود دارد: ناسیونالیسم راست افراطی، اصلاح‌طلبی چپ میانه و چپ پیشرو (با درنظرگرفتن اینکه راست میانه همان تفکر شکست‌خورده نئولیبرال را دارد). بااین‌حال، به استثنای چپ پیشرو، این آلترناتیوها به شکلی با ایدئولوژی‌هایی که منسوخ شده است، یا باید بشود پیوند خورده‌اند.

برای نمونه، چپ میانه، نئولیبرالیسم را با چهره‌ای انسانی نمایندگی می‌کند. هدفش این است که سیاست‌های بیل کلینتون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا را به قرن ۲۱ بیاورد و فقط تجدیدنظرهای جزئی درباره اشکال غالب مالی‌گرایی و جهانی‌سازی صورت می‌گیرد. در همین حال، ناسیونالیسم راست‌شدن با جهانی‌شدن مخالف است و مهاجران و خارجیان را برای تمام مشکلات امروز مقصر می‌داند. بااین‌حال، همان‌طور که ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان داده است، این تفکر حداقل در نوع آمریکایی خود، کمتر از نئولیبرالیسم به کاهش مالیات برای ثروتمندان، لغو مقررات و کاهش یا حذف برنامه‌های اجتماعی کمر نبسته است. در مقابل، اردوگاه سوم معرف چیزی است که من آن را «سرمایه‌داری پیشرو» می‌نامم؛ تفکری که یک دستور کار اقتصادی کاملا متفاوت را بر اساس چهار اولویت در پیش می‌گیرد؛ اول اینکه توازن میان بازارها، دولت و جامعه مدنی را احیا می‌کند. رشد اقتصادی آهسته، افزایش نابرابری، بی‌ثباتی مالی و تخریب محیط زیست، مشکلاتی است که بازار پدید آورده است و بنابراین نمی‌توان فقط به کمک بازار آنها را برطرف کرد. دولت‌ها وظیفه محدودکردن و شکل‌دادن به بازارها را از طریق مقررات محیط‌زیستی، بهداشتی، ایمنی شغلی و مانند آن بر عهده دارند. این نیز وظیفه دولت است که آنچه بازار نمی‌تواند یا نمی‌خواهد انجام دهد، مانند سرمایه‌گذاری فعال در تحقیقات اولیه، فناوری، آموزش و حفظ سلامت آن را بر عهده گیرد.

اولویت دوم این است که تشخیص داده شود «ثروت ملل» ناشی از تفکر علمی -یادگیری درباره جهان اطراف ما- و سازمانی اجتماعی است که به گروه‌های بزرگی از مردم امکان می‌دهد با یکدیگر همکاری کنند. بازارها همچنان نقش مهمی در تسهیل همکاری‌های اجتماعی بازی می‌کنند؛ اما فقط در صورتی که تحت حاکمیت قانون و تحت نظارت دموکراتیک قرار داشته باشند. اگر چنین نباشد، افراد با بهره‌کشی از دیگران ثروتمند می‌شوند و دنبال رانت‌خواری، نه خلق ثروت واقعی خواهند بود. بسیاری از ثروتمندان امروز از روش‌های استثمارگرایانه به جایی رسیده‌اند و سیاست‌های ترامپ در خدمت آنهاست که رانت را تشویق می‌کنند و منابع اصلی خلق ثروت را از بین می‌برند. سرمایه‌داری پیشرو دقیقا عکس آن را در نظر دارد.

این ما را به اولویت سوم می‌رساند که به مشکل روزافزون تمرکز قدرت در بازار مربوط است. شرکت‌هایی که بر بازار سلطه دارند، با بهره‌برداری از مزایای اطلاعاتی، خرید رقبای بالقوه و ایجاد موانع ورود، می‌توانند از رانت در مقیاس وسیع به زیان دیگران استفاده کنند. افزایش قدرت بازار شرکت‌ها همراه با کاهش قدرت چانه‌زنی کارگران، عامل افزایش نابرابری و کاهش آهنگ رشد است. چنانچه دولت نقشی فعال‌تر از آنچه نئولیبرالیسم تجویز می‌کند، بر عهده نگیرد، این مشکلات به دلیل پیشرفت‌های روباتیک و هوش مصنوعی به‌مراتب شدیدتر خواهد شد.

چهارمین عنصر کلیدی در دستور کار پیشرو، تضعیف پیوند بین قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی است. قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی همدیگر را به‌طور متقابل تقویت کرده و خود را حفظ می‌کنند؛ به‌ویژه در مواردی مانند ایالات متحده که افراد و شرکت‌های ثروتمند می‌توانند بدون محدودیت در انتخابات هزینه کنند و هیچ چیز نمی‌تواند قدرت ثروتمندان را محدود کند. این فقط یک مشکل اخلاقی و سیاسی نیست؛ اقتصادهای با نابرابری کمتر در واقع بهتر عمل می‌کنند. اصلاحات برای رسیدن به سرمایه‌داری پیشرو باید با محدودکردن نفوذ پول در سیاست و کاهش نابرابری در ثروت آغاز شود. هیچ عصای جادویی نمی‌تواند آسیب‌هایی ناشی از ده‌ها سال نئولیبرالیسم را یک‌شبه جبران کند؛ اما دستورالعمل جامعی که در راستای جمله‌های گفته‌شده می‌تواند روند را تغییر دهد، بیشتر به این بستگی دارد که اصلاح‌گران نیز به اندازه بخش خصوصی پایبند به رفع مشکلاتی مانند قدرت بیش از حد بازار و نابرابری باشند.

دستور کار جامع باید بر آموزش، تحقیق و دیگر منابع واقعی ثروت تمرکز کند. باید از محیط زیست محافظت و با تغییرات اقلیمی مقابله کند. باید برنامه‌هایی عمومی برای تضمین دسترسی شهروندی به مایحتاج اساسی و زندگی مناسب ایجاد کند که شامل امنیت اقتصادی، ایجاد اشتغال و دستمزد کافی برای زندگی، مراقبت‌های بهداشتی و مسکن مناسب، بازنشستگی امن و آموزش کافی برای کودکان باشد. این برنامه فوق‌العاده کم‌هزینه است و در حقیقت نمی‌توانیم از آن چشم بپوشیم. جایگزین‌هایی که ملی‌گرایان و نئولیبرال‌ها ارائه می‌دهند، رکود بیشتر نابرابری، تضعیف محیط زیست و کشمکش سیاسی را تضمین می‌کند و بالقوه به نتیجه‌ای منجر می‌شود که حتی نمی‌خواهیم تصورش را بکنیم. سرمایه‌داری پیشرو، بازی با کلمات نیست؛ قابل‌اعتمادترین و پرتوان‌ترین گزینه برای جانشینی یک ایدئولوژی شکست‌خورده است و بهترین فرصت برای برون‌رفت از بیماری اقتصادی و سیاسی ما.

پیشنهاد

یادواره هاله سحابی در چشم‌انداز ایران

شماره جدید چشم‌انداز ایران به سردبیری و مدیرمسئولی لطف‌الله میثمی این‌بار همراه با یادواره‌ای درباره هاله سحابی است. مینو مرتاضی‌لنگرودی، فیروزه صابر و مهدی فخرزاده درباره این زن متفاوت و تأثیرگذار تاریخ معاصر ایران نوشته‌اند؛ زنی که به گفته دوست قدیمی‌اش، مینو مرتاضی: «هرگز از آرمان‌خواهی انقلابی خود پشیمان نشد. زنی از نسل زنانی که میان زندگی و زیست زنانه و مبارزه در راه عدالت و آزادی جدایی نمی‌دیدند». این مطالب یادی است از هاله سحابی که در روز تشییع پدرش جان باخت و چگونگی این مرگ و آنچه بر خانواده از صبح تا به خاک‌سپاری او گذشت. مرگ هاله سحابی یکی از غم‌انگیزترین اتفاقات خرداد ۸۹ بود و در یادها می‌ماند. از دیگر مطالب این شماره خشک‌سالی و سیل دو روی یک سکه، نام پرونده‌ای است درباره اتفاقاتی که در دو ماه گذشته رخ داده است. داوود عرب، محمد ایرانمنش و سیدمحمود حسینی از منظرهای مختلف این مسائل را بررسی کرده‌اند. گفت‌وگو با محمدباقر بهشتی درباره اقتصاد بدون نفت به‌عنوان تنها راه چاره و گفت‌وگو با ناصر تکمیل‌همایون درباره نسبت میهن و دینداری نیز از جمله مطالب دیگر است. مهدی غنی، تاریخ‌نگار، نیز مطلبی درباره چه خواهد شد، دارد که به برخی از سؤال‌های این روزها جواب می‌دهد. آخرین شماره این مجله در ۱۲۸ صفحه و قیمت ۱۵ هزار تومان منتشر شده است.